

کاری بزرگ اما فاقد روشمندی

نگاهی به جلد‌های اول تا ششم
مجموعه تاریخ انقلاب برای
کودکان و نوجوانان

مناف یحیی‌پور



هفته‌نامه خانه، همکاری با روزنامه آفتابگردان، مدیریت تحریریه آفتاب امروز (هنگام انتشار هفتگی برای نوجوانان)، همکاری با مجله امید آینده و سردبیری فصلنامه هنر هشتم (فصلنامه تخصصی روابط عمومی) در سابقه فعالیت‌هایش به چشم می‌خورد. وی هم‌اکنون از بازرسان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و دبیر بخش آثار نوجوانان مجله «بچه‌های زمین» است.

مناف یحیی‌پور متولد ۱۳۴۷ فارغ‌التحصیل رشته علوم ارتباطات اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی است. یحیی‌پور در موضوعات مختلفی قلم می‌زند. نقد، پژوهش، ترجمه از زبان عربی و... از فعالیت‌های اوست، اما مهم‌ترین فعالیت وی روزنامه‌نگاری است. او کار روزنامه‌نگاری را با همکاری «روزنامه سلام» آغاز کرد و مدتی با مجله آینده‌سازان به عنوان دبیر تحریریه همکاری داشت. مدیریت داخلی

ویل دورانت می‌گوید: «هرگز آن جمله معروف ناپلئون را که یکی از آخرین سخنان اوست، فراموش نمی‌کنم که «کاش پسر من تاریخ می‌خواند، زیرا تاریخ تنها فلسفه صحیح است.» یقین دارم که اگر تاریخ درست نوشته شود، ما را بهتر از وسایل فلسفی و روان‌شناسی، رهبری خواهد کرد.» (۱)

۱. اندات فلسفه، ویل دورانت، دکتر عباس زری‌باب، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱، ص ۲۳۸.

مثل بسیاری دیگر از علوم، به ویژه علوم انسانی، دربارهٔ تعریف تاریخ و اهمیت و فایده و حدود آن، نظرها مختلف است و صف مخالفان و موافقان تاریخ و ارزشمندی آن، از گذشته تا به حال، امتداد یافته است. برخی به این جمله ناپلئون استشهد می‌کنند و به تاریخ آن قدر اهمیت می‌دهند که می‌گویند: «تاریخ را باید فقط فلاسفه بنویسند. فقط آنها می‌توانند مهم را از نامهم تشخیص دهند و از تفصیلات بیهوده که نتیجه‌ای در بر ندارد و مانند خورجین توشهٔ سربازان است، بپرهیزند و به امور از نظرگاه وسیع‌تری بنگرند.»^(۱) و بعضی دیگر نیز چون ارسطو «تاریخ را از آن جهت که با واقعیات جزئی و با اموری که به عقیدهٔ وی در آنها «محتمل» بودن ضرور نیست سروکار دارد، از شعر که سروکارش با واقعیات کلی و با امور «محتمل» هست، فروتر» می‌دانند.^(۲)

موافقان تاریخ و مطالعهٔ آن بر این عقیده‌اند که «تاریخ چون نشان می‌دهد که مردم پیش از ما چگونه زندگی می‌کرده‌اند، این فایده را دارد که ما را در زندگی کمک و راهنمایی می‌کند. از جمله مخصوصاً برای جوانان این فایده را دارد که آنها را زودتر از معمول به سطح عصر خویش می‌رساند، پنجره‌ها را بر روی آنها می‌گشاید و به آنها اجازه می‌دهد تا عواملی را که در جهان آنها حاکم بوده است و هنوز هست، بهتر بشناسند؛ آنچه را درخورترک و طرد است، از آنچه شایستهٔ حفظ و نگه‌داری است، تمیز دهند.»^(۳)

در حالی که مخالفان تاریخ، به عدم قطعیت و بی‌فایده بودن آن نظر دارند و بسیاری از حوادث تاریخ را تکرار یک سلسله وقایع معین یا یک رشته تصادف و اتفاق به شمار می‌آورند و معتقدند که تاریخ عبارت از یک سلسله تصادف و اتفاق است که با رمان و قصه تفاوت زیادی ندارد.^(۴)

نزدیکی تاریخ با قصه، در ادبیات قدیم ریشه

دارد و گاه وقایع تاریخی را به عنوان قصه نقل کرده‌اند. همچنان که در برخی جاها آنچه به عنوان داستان آمده، نقل و روایت واقعیت‌های تاریخی است. همین نزدیکی که گاه به تاریخ جذابیت می‌دهد و نقل وقایع تاریخی و تحلیل آنها را شیرین‌تر و خواندنی‌تر می‌کند، شائبه در هم آمیختن واقعیت و خیال را هم ایجاد می‌کند. از همین روست که می‌بینیم دکارت، با این‌که «آگاهی بر وقایع مهم تاریخی را مایهٔ بلندی طبع و پرورش قوهٔ تعقل در آدمی می‌دید، در عین حال، تاریخ را مثل افسانه‌ها امری می‌دانست که انس با آن بسیاری از امور را که منتفع است، ممکن به نظر می‌آورد و چون مورخان، حوادث را مهم‌تر یا حقیرتر از آنچه هست، جلوه می‌دهند تا مردم را به خواندن آنها راغب سازند، هر کس امثال و شواهد تاریخ را سرمشق سازد، کارش به دیوانگی کسانی منجر خواهد شد که از قهرمانان و عیاران افسانه‌ها سرمشق می‌گیرند.»^(۵)

اما مخالفت با تاریخ، به همین عدم قطعیت و نزدیکی و گاه در آمیختگی آن با قصه تمام نمی‌شود. از گذشته، حکام به ثبت وقایع تاریخی، به نحوی که به نفع آنها باشد، اهمیت می‌داده‌اند. ظاهراً در تاریخ مصر «حتی فرمانروایان دورهٔ ماقبل سلسله‌ها نیز اسناد و گزارش‌های تاریخی را با آب و تاب مبالغه‌آمیز ضبط می‌کرده‌اند. مورخان رسمی که در سفرهای جنگی پادشاهان با ایشان همراه بوده‌اند، وظیفهٔ خود را بیشتر ستایش قهرمانی‌ها می‌دیدند و تحسین کامیابی‌ها، به نظر می‌آید که نزد آنها تاریخ عبارت از شناخت گذشته

۱. همان، صفحه ۲۴۳ و نگاه کنید به «تاریخ در ترازو»،

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم: ۱۳۷۰، ص ۲۸.

۲. تاریخ در ترازو، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۱۵.

۵. همان، ص ۲۸.

نبود، آشنایی با افتخارات گذشته بود»^(۱)

این دسته از مخالفان، تاریخ‌نویسان را آلت دست سیاستمداران می‌دانند و می‌گویند: «تاریخ نویسان یا می‌خواهند عقیده‌ای را ثابت کنند یا برنامه حزب خود را بستانند یا اوهام وطن دوستانه خود را به زور به کله دیگران فرو کنند. هرگز نمی‌خواهند مملکت خود را از نظرگاهی که همه جهان را فرا گیرد، بنگرند. هشتاد درصد کتاب‌های تاریخ مانند خط هیروگلیف مصریان است که برای ستایش کارهای برجسته روحانیان و پادشاهان درست شده بود»^(۲)

به سبب نزدیکی تاریخ به قصه از یک سو و به نوعی تبلیغ سیاسی از سوی دیگر، لازم است به تعریف تاریخ و تفاوت آن با داستان و تبلیغات، نگاهی بیندازیم.

تعریف تاریخ

صرف نظر از دانشمندی که به تاریخ بدبینند و می‌گویند که واقعیت تاریخی، تنها در تصور مورخ وجود دارد^(۳) یا تاریخ چیزی جز خیال باطل و بیان منافع شخصی نیست،^(۴) دیگر اندیشمندان به هر تعریفی که معنقد باشند، بر فایده و آموزنده بودن و لذت تاریخ و علم بودن آن تأکید کرده‌اند. دکتر زرین‌کوب، می‌نویسد: «تاریخ به نوعی ناخودآگاه، جزو زندگی انسان است و انسان در هر قدم و هر اقدام خویش، از آن فایده‌ای می‌گیرد. به علاوه، قسمتی از کار مورخ همان کاری است که در زندگی روزانه، در خانه و اداره دایم تکرار می‌شود... یادداشت کردن آنچه ممکن است از فراموش کردن آن در زندگی روزانه اختلال پیش آید. تنها از طریق مبارزه با فراموشی - از طریق تاریخ و ضبط و نقل اسناد گذشته است - که نسل‌های متوالی می‌توانند، به قول پاسکال، به شخص واحدی تبدیل شوند که دایم مشغول فرا گرفتن است و در حقیقت، اقوام وحشی فقط کسانی

هستند که از گذشته خویش خبر ندارند - اقوام بی تاریخ»^(۵) کارل پاسپرس نیز تاریخ را خاطره‌ای می‌داند «که سرچشمه زندگی ما و زندگی ما بر آن پایه استوار و پیوند ما با گذشته ناگسستنی است»^(۶)

تاریخ، از ساده‌ترین شکل خود که ثبت و نقل وقایع و حوادث و اتفاقات گذشته که آن را واقعه‌نگاری نامیده‌اند، تا دوره‌ای که مورخان با بررسی و مطالعه و موشکافی اسناد و مدارک بر جای مانده از گذشته و گردآوری شواهد و قراین، به تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی پرداخته‌اند و پیدایش فلسفه تاریخ، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. ویل دورانت، تاریخ را وقایعی می‌داند که در گذشته روی داده و یا آنچه از آن وقایع ثبت شده است. هر چند به نظر او تاریخ به صورتی که نوشته شده، با تاریخ حقیقی اختلاف دارد، چون بیشتر مورخان وقایع استثنایی یا وقایعی را که به نظر خودشان جالب است، مورد بررسی قرار می‌دادند.^(۷)

ویل دورانت، معتقد است که «تاریخ هم صنعت و هم هنر و هم فلسفه است. صنعت است چون حقایق را از غیر آن جدا می‌کند، هنر است چون به مطالب آشفته نظم و ترتیب می‌دهد، فلسفه است برای این‌که در جست‌وجوی دورنمای آینده و در صدر روشنگری اندیشه است»^(۸)

چارلز او مان، تاریخ را از واقعه‌نگاری متمایز می‌کند و می‌گوید: «تاریخ عبارت است از یک سلسله حوادث و وقایع جالب که مورخ باید با

۱. همان، ص ۵۲ و ۵۳.
۲. لذات فلسفه، ص ۲۳۶.
- ۳ و ۴. تاریخ و تاریخ‌نگاری، دکتر احمد ناجبخش، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول: ۱۳۷۶، ص ۱۰.
۵. تاریخ در ترازو، ص ۱۸.
۶. تاریخ و تاریخ‌نگاری، ص ۱۷.
۷. همان، ص ۵.
۸. همان، ص ۶.



○ توجه و اهتمام به تدوین و نشر کتاب‌های تاریخ برای کودکان و نوجوانان، به خودی خود، درخور تقدیر است. این‌که دست اندرکاران تهیه، تدوین و نشر این مجموعه دست به کاری گروهی زده و چند ناشر دست به دست هم داده‌اند تا «نشر تاریخ و فرهنگ» را تأسیس کنند و شوراهای مختلف و گروه‌های گوناگون برای برنامه ریزی و سیاست‌گذاری، نظارت بر امور گرافیکی و تولید، ویرایش، بررسی متون و نظارت بر تألیف و گروه نویسندگان و تحقیق و... تشکیل داده‌اند، نشان‌دهنده اهمیت است که ناشران برای کارشان قایلند.

و حوادث مهم، نشانه‌ها و نتایج جریان‌های وسیع‌تر و طولانی‌تری هستند که برخی از آنها مانند شکل زمین و حرارت هوا اصلاً جنبه شخصی ندارد.^(۳)

تاریخ علم است؟

مخالفان تاریخ، به دلایل مختلف، از جمله عدم قطعیت، قانونمند نبودن وقایع، بیهودگی و این‌که مورخان مختلف، در مطالعه وقایع تاریخی به نتایج مشابه نمی‌رسند، تاریخ را علم به شمار نمی‌آورند. موافقان علم بودن تاریخ، بر تحقیق و روشمند بودن مطالعه‌های تاریخی و بررسی اسناد و مدارک و مطالعه منابع مختلف و نتیجه‌گیری از آنها تأکید می‌کنند. اینها معتقدند «که رویدادهای تاریخی بدون قاعده و قانون نیست و طبق قوانینی به وقوع می‌پیوندد و... کلید هر واقعه تاریخی را باید در شرایط وقوع آن جست‌وجو کرد تا معلوم شود، آنچه اتفاق افتاده، می‌بایستی اتفاق می‌افتاد».^(۴)

بنابراین، از این دیدگاه که تاریخ جهان و

عباراتی شیرین و دلچسب به شرح آن بپردازد؛ ولی باید توجه کرد که بین واقعه‌نگاری و تاریخ واقعی تفاوت زیادی وجود دارد. واقعه نگار درباره یک حادثه فقط توجه به شرح حادثه و تاریخ وقوع حادثه دارد، در صورتی که محقق تاریخ، باید درباره علل پیدایش واقعه و نقش نظام تاریخی اظهارنظر کند و با توجه به مسایل اجتماعی و اقتصادی زمان، نتایج حاصله از رویدادهای تاریخی را به دست آورد».^(۱)

آن گونه که از مطالعات دانشمندان برداشت می‌شود، شاید به دلیل این‌که مورخان برای حکام، به گردآوری و تدوین تاریخ می‌پرداختند، امور سیاسی و جنگ‌ها پایه تاریخ بوده است و عمده‌ترین فایده آن آموزش حکمرانان و سیاستمداران برای اداره امور مملکت، به تدریج، از چند قرن پیش، بررسی افکار عامه مردم و مطالعه زندگی افراد جامعه، به سبب تأثیری که آنها بر وقایع و حوادث مهم داشتند، مورد توجه قرار گرفت و به تعبیری، کم‌کم مردم عادی نیز در کنار سلاطین و رؤسای مذهبی، به صحنه تاریخ راه یافتند.^(۲) مونتسکیو، از این هم پا را فراتر می‌گذارد و معتقد است که در تاریخ، شخصیت‌ها اهمیتی ندارند و حوادث مجزا، حتی جنگ‌های بزرگ، علل برتری و سقوط اقوام نیستند؛ بلکه اشخاص بزرگ

۱. همان، ص ۷.

۲. نگاه کنید به «تاریخ و تاریخ‌نگاری»، ص ۹.

۳. نگاه کنید به «الذات فلسفه»، ص ۲۴۴.

۴. تاریخ و تاریخ‌نگاری، ص ۳۴.

○ اصولاً نوعی سردرگمی در کتاب‌ها به چشم می‌خورد. گاه - احتمالاً - به سبب کوتاه کردن مطالب، از ذکر بعضی جزئیات و آوردن برخی اطلاعات خودداری می‌شود (مثل تولد حضرت امام که فقط به ذکر روز، محله و شهر، نام خود و پدر و مادرش بسنده شده است. صفحه ۹، ج اول) و چند سطر پایین‌تر یا چند صفحه آن طرف‌تر، اطلاعاتی را می‌بینیم که ارتباط مستقیمی با موضوع ندارد و برای تحلیل وقایع و یا موشکافی و بررسی جامع رویدادها مناسب است یا قضاوت‌های تحلیلی را می‌خوانیم، بی آن که از شواهد و قرائن آن خبری باشد.

اتفاقات و وقایع آن، سیری منطقی و قانونمند دارد. علم تاریخ باید وقایع و رویدادها را مجزا از هم و تکه تکه نبیند، بلکه باید به صورت منسجم و منظم به بررسی و تجزیه و تحلیل رویدادها و جریان کلی و قوانین تاریخ پرداخت. لرداکتون می‌گوید: «چون تاریخ یک سلسله اطلاعات به هم پیوسته است که به نحوی منظم به دست می‌آید، در حکم علم است؛ ولی علمی از نوع خاص.»^(۱)

ارتباط حوادث را به وسیله روابط ریاضی تبیین کرد، نه مثل شیمی می‌توان حوادث را به وسیله تجربه و مشاهده امتحان کرد.»^(۳) با این وصف، معتقدند «گذشته که موضوع تاریخ است، به وسیله مدارک و آثاری که از آن باقی است، در معرض یک نوع تجربه و مشاهده مورخ واقع می‌شود. چون، مورخ به اسناد به عنوان حجت نگاه نمی‌کند، در اصالت آنها، در صداقت آنها و در دقت و اصابت آنها تحقیق می‌کند، در تفسیر آنها، در تحلیل مندرجات آنها و در استخراج درست تمام محتویات آنها اهتمام به جای می‌آورد. کار او اگرچه یک مشاهده مستقیم نیست، یک نوع تجربه است...»^(۴)

این «از نوع خاص» بودن علم تاریخ، از یک سو به تأثیر عوامل مختلف در وقوع رویدادهای تاریخی و چگونگی وقوع آنها برمی‌گردد و از سوی دیگر، به تجربه پذیر نبودن وقایع تاریخی که به رغم تمامی شباهت‌ها، هر حادثه تاریخی فقط یک بار اتفاق می‌افتد و به هیچ وجه در مورد حوادث مشابه نمی‌توان ادعا کرد که همه شرایط و اسباب و عوامل، همان است که در حادثه اول بوده است. تغییر و تحولات زندگی بشر و جوامع انسانی نیز مورخ را محدود می‌کنند و «تاریخ نمی‌تواند جامعه انسانی را به عنوان یک پدیده ثابت و بی حرکت مطالعه کند؛ می‌بایست آن را در طی حرکت و تحولش نیز بررسی کند. این حرکت و تحول هم البته یک جریان بطنی نیست.»^(۲)

مدافعان علم به شمار آوردن تاریخ، بر پیشرفت‌های به دست آمده و روش‌های علمی بررسی و مطالعه، تجزیه و تحلیل و تفسیر و استنباط از اسناد و مدارک تأکید می‌کنند و معتقدند که تاریخ، روابط میان رویدادها و اتفاقات را تبیین می‌کند. آنهایی هم که خواسته‌اند محتاط‌تر نظر بدهند، به محدودیت‌های تاریخ و مورخ نظر دارند و بعضاً می‌گویند: «علم، واقعیت

البته کسانی که تاریخ را علم می‌دانند، منکر آن نیستند که «در تاریخ نه مثل فیزیک می‌توان

۱. همان، ص ۳۲.
 ۲. تاریخ در ترازو، ص ۱۲۰.
 ۳ و ۴. همان، ص ۱۳۶.

را از خیال واهی جدا می‌کند. تاریخ وقتی علم است که چنین شرایطی داشته باشد.^(۱) یا «اگر منظور از علم بودن تاریخ فقط توجه به شیوه‌ها و روش‌های موجود است، مخالفتی نیست...»^(۲)

اهمیت شناسایی، بررسی و تفسیر اسناد و مدارک و منابع مختلف تاریخی چنان است که برخی «تاریخ را علم شناخت اسناد و نتیجه‌گیری از آن»^(۳) می‌دانند و می‌گویند: «کار یک محقق واقعی، شناسایی مدارک و اسناد و بررسی منابع مختلف و نتیجه‌گیری از آن است که لازمه‌اش داشتن ذوق و استعداد است.»^(۴)

دکتر زرین‌کوب می‌نویسد: «اگر درست است که شناسایی فقط وقتی «علم» می‌شود که از یک طرف، بین پدیده‌های مختلف رابطه علت و معلول برقرار کند و از طرف دیگر، ملاک و معیاری برای تشخیص بین خطا و حقیقت داشته باشد، تاریخ بی هیچ شک، می‌تواند نوعی علم به شمار آید. چون مورخ، نه فقط برای پرهیز از آنچه موجب «خطا»ست، ملاک‌هایی می‌شناسد؛ بلکه آنچه حقیقت تاریخی نام دارد نیز امری است که در آن ارتباط بین علت و معلول ملحوظ شود.»^(۵)

و سرانجام می‌افزاید که «در کار تاریخ، شناخت روش و هدف اهمیت خاص دارد... تاریخ بی شک، تنها گردآوری روایات یا مقایسه آنها و شناخت «واقعیت» حوادث گذشته نیست. و رای این کار، نظر به توجیه و تفسیر این واقعیات دارد که بین جزئیات رابطه برقرار می‌کند و آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این کار در واقع، عبارت از تجدید بنای گذشته است، به کمک مصالح و موادی که این‌جا و آن‌جا، از بقایای آوار حوادث باقی مانده است.»^(۶)

دکتر علی شریعتی نیز نقل حوادث گذشته را بی‌فایده می‌داند و به شناخت حوادث اهمیت می‌دهد و می‌نویسد: «عمر یک جامعه یا نوع بشر، واقعیت پیوسته‌ای است که در طی زمان حرکت دارد و

تحول می‌یابد و از قوانین معین و قواعد ثابت مشخصی پیروی می‌کند و کشف این قوانین و قواعد، علم تاریخ را پدید می‌آورد و بنابراین، علم تاریخ «علم شدن انسان» است... بنابراین، تاریخ شناخت گذشته انسان نیست، شناخت چگونگی شدن انسان و علل و عوامل و قوانین تغییر و تحول و رشد و تکامل و بیماری و سلامت و ضعف و قدرت انسان و جامعه انسانی است.»^(۷)

تاریخ و قصه

ولتر می‌گوید تاریخ، قصه‌ای است که به عنوان حقیقت روایت می‌شود. در صورتی که قصه، تاریخی است که آن را به عنوان دروغ نقل می‌کنند.^(۸)

دکتر زرین‌کوب، درباره ارتباط تاریخ و شعر از نگاه ارسطو، می‌نویسد که این ارتباط «حاکمی از قدیم‌ترین تصویری است که عامه یونانیان در باب ماهیت تاریخ داشته‌اند؛ قرابت آن با شعر و ادب. این‌که ارسطو، اساس شعر را عبارت از قصه می‌داند، نشان می‌دهد که مراد حکیم، مناسبت بین تاریخ است با قصه. این قرابت چنان است که در ادبیات قدیم ما نیز گه‌گاه بین روایات تاریخ با قصه، سر مویی بیش فاصله نیست.»^(۹)

شاید ارتباط زیاد تاریخ با انسان و زندگی او و علاقه انسان به کنجکاوای درباره گذشته و سرگذشت دیگران (چه شخصیت‌ها و قهرمانان و چه جوامع) از یک سو و در هم آمیختگی تاریخ و اساطیر و علاقه انسان به غلو و مبالغه در نقل بعضی وقایع و سرگرم کردن و سرگرم شدن با

۱. تاریخ و تاریخ‌نگاری، ص ۳۲.
- ۲ و ۷. همان، ص ۳۵.
۴. همان، ص ۳۶.
۵. تاریخ در ترازو، ص ۱۳۴.
۶. همان، ص ۱۳۸.
۷. تاریخ تمدن (جلد اول)، دکتر علی شریعتی، انتشارات قلم، چاپ دوم: ۱۳۷۰، ص ۷۷.
- ۸ و ۴. تاریخ در ترازو، ص ۲۸.



نوشتن داستان و بازآفرینی ماجراها، از تخیل خود کمک می‌گیرد و چون در جایگاه یک محقق تاریخ قرار ندارد، ممکن است آن روایتی را از وقایع تاریخی مبنای کار خود قرار دهد، که جذاب‌تر، هیجان‌انگیزتر و یا... باشد.

صرف نظر از این کتاب‌ها، معمولاً کتاب‌های تاریخ برای کودکان و نوجوانان، یا به صورت نقل ساده وقایع تاریخی و مطالعه و تفسیر حوادث و وقایع با نثری معمولی و ساده تدوین می‌شود (مثل کتاب‌های درسی) و یا حوادث و اتفاقات تاریخی و تفسیر آنها و بررسی علل و عوامل آنها، با نثری ادبی نوشته می‌شود که در این‌جا اصل بر نقل درست تاریخ است و ادبیات در خدمت تاریخ قرار می‌گیرد.

نویسندگان مقاله «کتاب‌های تاریخی برای کودکان و نوجوانان»، داستان‌های تاریخی را به دو نوع تقسیم می‌کنند: «ممکن است نویسنده خود، داستان را طرح کند و شخصیت‌ها را بسازد یا اینکه از موضوع‌ها و شخصیت‌های واقعی تاریخی در داستان استفاده کند»^(۳) و اضافه می‌کنند که «داستان تاریخی باید مخلوطی از داستان و تاریخ باشد».

تاریخ و تبلیغات

از همین داستان‌های تاریخی، مسئله تبلیغات و تأثیر تبلیغاتی آنها به ویژه بر کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود. بسیاری از نویسندگان معتقدند که داستان‌های تاریخی، عشق و علاقه به میهن‌تمایلات و تعصب‌های قومی و ملی را تقویت

نقل روایت‌های مختلف، نزدیکی تاریخ و قصه را موجب شده است. چنان‌که ژان پل سارتر، در داستان غنثیان می‌گوید: «انسان همیشه ناقل قصه است و در میان قصه خود و دیگران زندگی می‌کند»؛ اما این نگاه به تاریخ، سخت مورد انتقاد مورخان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. پولیبیوس، مورخ معروف، نقل حوادث تاریخی را با آب و تاب، درخور مورخ نمی‌داند و عقیده دارد که هدف مورخ نباید مثل هدف شاعر و درام‌نویس، تخیل‌انگیزی و ایجاد احساس باشد، باید غرض وی تعلیم حقیقت باشد و بس.^(۱)

ظاهراً «تاریخ» در زبان عربی، از لغات دخیل است و پیش از ورود این کلمه، در کتاب‌های تاریخ عرب، به جای آن کلمه قصه را به کار می‌برده‌اند. دکتر احمد تمیم‌داری، در مقاله‌ای با عنوان «درباره قصه» با اشاره به ریشه‌های دو کلمه قصه و تاریخ می‌نویسد: «تاریخ با قصه فرق دارد. تاریخ، نگارش وقایع خاصی است که از زمان و مکان برخوردار است و در واقع، گزارش رویدادهایی است که اتفاق افتاده است. هر چند در موارد بسیاری، مورخان در نقل رویدادهای تاریخی، از کلمه قصه به عنوان گزارش واقعه‌ای استفاده کرده‌اند؛ اما منظورشان قصه‌گویی نبوده است»^(۲).

هر چند نمی‌توان از این نکته غافل ماند که نقل افسانه‌ها و داستان قهرمانان ملل مختلف که معمولاً مورد توجه مردم و به ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان بوده است، این در هم آمیختگی داستان و افسانه و تاریخ را (مخصوصاً آن‌جا که به گذشته‌های دور برمی‌گردد) تشدید می‌کند، نباید وقایع تاریخی را که مبنای نوشتن قصه‌های مختلف بوده و یا همین داستان‌هایی را که صرفاً براساس حوادث تاریخی نوشته شده، با تاریخ اشتباه گرفت. در این داستان‌ها هر چه هم نویسنده بخواهد به حقایق تاریخی پایبند باشد، باز هم در

۱. همان، ص ۳۰.

۲. مجله ادبیات داستانی، مقاله «درباره قصه» - قسمت دوم، دکتر احمد تمیم‌داری، اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۲۰.

۳. مقاله درباره ادبیات کودکان، مقاله «کتاب‌های تاریخی برای کودکان و نوجوانان»، فریده رضوانی و پوراندخت طاهری، شورای کتاب کودک، چاپ اول: ۱۳۶۳، ص ۱۲۴.

می‌کند که برخی آن را مثبت و بعضی دیگر منفی ارزیابی می‌کنند.

مدافعان تاریخ، بر دقت و درستی تاریخ و به تعبیری دیگر، بر حقیقت تاریخی تأکید بسیار دارند و اغلب معتقدند که نباید تاریخ را برای تأثیرگذاری بر روحیه مردم و مخصوصاً نسل جوان به کار برد؛ اما بسیاری از مخالفان تاریخ، به کار برد تبلیغاتی تاریخ و به ویژه کتاب‌های درسی تاریخ و احیاناً دروغ پردازی‌ها و

می‌سازند.^(۲) تبلیغات، به تحریک افراد برای نشان دادن عکس‌العمل خاص و آنی بسنده نمی‌کند، بلکه به دنبال ایجاد تغییر و تحول در آرا و افکار مخاطبان و نزدیک کردن نقطه نظرها به یکدیگر است.^(۳)

تبلیغات، عقل و احساس مخاطبان را هدف می‌گیرد و معمولاً برای این‌که به موفقیت بیشتری دست یابد، چیزی را مطرح نمی‌کند که مردم آن را نمی‌پذیرند، بلکه سعی دارد آن‌چه را که مردم باور

○ اختصاص یک جلد به زندگی امام(ره) آن هم به طور ناقص، خلاصه کردن وقایع سال‌ها ۵-۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ در یک جلد و انتخاب رویدادهای مهم هر سال، همه نشان از روشمند نبودن کار دارد.

دارند تقویت کند و یا در همان مسیر، آن را تغییر دهد.

وقتی تاریخ، با این گونه حذف و تحریف‌های تبلیغاتی آمیخته می‌گردد، نه تنها غیر قابل اعتماد می‌شود، بلکه ممکن است مخاطب را نسبت به علم تاریخ و یا هر چه در کتاب‌های تاریخ خوانده بدبین کند. این کار در کتاب‌های تاریخ، اغلب با این توجیه صورت می‌پذیرد که باید حس میهن‌پرستی و علاقه به ملت و کشور را در مخاطبان تقویت کرد. «یک نویسنده نام‌آور اتریشی (اشتفن تسواایگ) وقتی در اثر یک اتفاق، تاریخ‌هایی را که در کودکی به عنوان کتاب درسی خوانده بود ورق زد، به وحشت افتاد و آنها را سراپا پر غلط و آکنده از غرض یافت. آن‌چه وی در آن روزهای بعد از جنگ و کشتار خاطر نشان کرد، حاکی از مسئولیت واقعی

بزرگ‌نمایی‌های آنها اشاره می‌کنند و آن را تقویت‌کننده تعصب‌های قومی و ملی می‌دانند و معتقدند که تاریخ یا حداقل این گونه کتاب‌های تاریخی، باعث می‌شود که نسل جوان ملت خود را برتر از دیگران بدانند و همین موجب پیدایش جنگ‌ها و اختلافات بین کشورها و ملل می‌شود.

بنا به تعریف‌هایی که از تبلیغات ارایه شده، تبلیغات کوشش می‌کند که اراده، تفکر و نگرش و جهان‌بینی مردم را تحت تأثیر قرار دهد و در واقع، تبلیغ‌کننده می‌کوشد به جای مخاطبان بیندیشد و عقاید خود را به آنان تحمیل کند و در این راه، علوم مختلف از جمله تاریخ را به عنوان یک ابزار به کار گیرد.^(۱)

یکی از روش‌های تبلیغات سیاسی، حذف اخبار، سخنان، موضع‌گیری‌ها و... دشمنان و مخالفان است تا در ذهن مردم نمانند و کم‌کم از حافظه مردم پاک شوند. علاوه بر این، برخی یک گام دیگر جلو می‌روند و به تحریف اخبار و سخنان و موضع‌گیری‌های مخالفان می‌پردازند و با این کار، تصویری نادرست از مخالفان و دشمنان

۱. نگاه کنید به ارتباطات سیاسی، دکتر پرویز علوی، مؤسسه نشر علوم نوین، چاپ اول: ۱۳۷۵، ص ۷۰.
۲. نگاه کنید به «الدعایة و الرأی العام»، دکتر علی عواد، مؤسسه نزیه کرکی (بیروت)، چاپ اول: ۱۹۹۳، ص ۳۳۴.

۳. نگاه کنید به همان، ص ۱۴۱.

قایلند. به این ترتیب، انتظار ارایه کاری کامل‌تر و کم‌عیب‌تر نیز از چنین گروهی می‌رود. ناشران، در مقدمه کتاب، هدف از تدوین و انتشار این مجموعه را آشنا کردن نوجوانان با تاریخ انقلاب اسلامی ایران، بیان می‌کنند و می‌نویسند: «وجود چنین مجموعه‌هایی بسیار ضروری به نظر می‌رسد تا نسل نوجوان بتواند با زوایای مختلف شکل‌گیری و پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، پس از ۲۵۰۰ سال

تاریخ بود، در این گونه بحران‌ها، در واقع، کتابی که وی تاریخ را از آن آموخته بود، چنان بود که به قول وی، می‌بایست فقط این فکر را به جوانان القا کرده باشد که گویی تمام فعالیت‌های عالم، یک هدف داشته و آن نیز عبارت است از عظمت اتریش»^(۱)

تاریخ انقلاب

سال گذشته، انتشار دو مجموعه کتاب درباره

○ جلد سوم به بعد، واقعه‌نگاری رویدادهایی است که در هر سال در کشور اتفاق افتاده است و بعضاً ارتباط چندانی یا گاه هیچ ارتباطی به انقلاب اسلامی ندارد.

حکومت پادشاهان خودکامه، آشنا شود. «... شما عزیزان که نسل آینده‌ساز فردا را تشکیل می‌دهید، باید از زمینه‌ها و دلایل وقوع انقلاب اسلامی، ویژگی‌ها و آرمان‌های رهبری آن و فرازها و حوادث اساسی آن مطلع باشید.» با آن‌چه در این بخش از مقدمه دو صفحه‌ای کتاب می‌خوانیم، انتظار داریم یک کتاب تاریخ ببینیم که در آن حوادث و اتفاقاتی که به وقوع و پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی منجر شد، به طور علمی بررسی و تحلیل شود و ارتباط - گاه پنهان - حوادث نشان داده و به ریشه‌یابی علل و عوامل وقوع حوادث تاریخی پرداخته شود؛ اما چند سطر که جلوتر می‌رویم و به صفحه دوم مقدمه که می‌رسیم، چنین می‌خوانیم: «در این مجموعه، هدف اصلی ما بیان اهداف، فرازها و وقایع اساسی و تأثیرگذار انقلاب بوده است؛ بدون آن‌که به دنبال تحلیل این وقایع باشیم.» در ادامه مقدمه، آمده است که از جلد سوم مجموعه به بعد «وقایع یکی از سال‌های پس از

وقایع تاریخی سال‌های انقلاب اسلامی و حاکمیت جمهوری اسلامی، برای کودکان و نوجوانان آغاز شد. یکی از این مجموعه‌ها عنوان کلی «تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان» را بر خود دارد و حوادث و وقایع هر سال، در یک کتاب گردآوری شده و هر کتاب نام خاصی هم زیر عنوان کلی مجموعه دارد و آن مقدمه طولانی برای این بود که به کتاب‌های منتشر شده از این مجموعه، نگاهی بیندازیم.

توجه و اهتمام به تدوین و نشر کتاب‌های تاریخ برای کودکان و نوجوانان، به خودی خود، درخور تقدیر است. این‌که دست‌اندرکاران تهیه، تدوین و نشر این مجموعه دست به کاری گروهی زده و چند ناشر دست به دست هم داده‌اند تا «نشر تاریخ و فرهنگ» را تأسیس کنند و شوراهای مختلف و گروه‌های گوناگون برای برنامه ریزی و سیاست‌گذاری، نظارت بر امور گرافیکی و تولید، ویرایش، بررسی متون و نظارت بر تألیف و گروه نویسندگان و تحقیق و... تشکیل داده‌اند، نشان‌دهنده اهمیت است که ناشران برای کارشان

۱. تاریخ در ترازو، ص ۱۶.



○ در نقل سخنرانی امام، در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ (صفحه ۳۰، جلد اول) نیز آمیختن گزارش یک واقعه تاریخی با تخیل داستانی به چشم می‌خورد: «روزهاست که مردم منتظر این ساعت هستند... در نگاه مردم می‌توان نگرانی را دید. قلب‌ها به شدت می‌تپند. همه می‌دانند که در چنین لحظه‌هایی، هیچ اتفاقی غیر منتظره نیست. شاید در یک لحظه، مردم را به رگبار مسلسل ببندند. شاید...»

نمونه‌هایی از این قبیل به چشم می‌خورد که از جمله آنها می‌توان به ایستادگی پدر امام (ره) در مقابل زورگوها و شهادت وی به دست آنها (صفحه ۹) که خیلی خلاصه و کوتاه شده یا سادگی زندگی امام و کوشش برای نزدیک شدن به خدا و خدمت به مردم (صفحه ۱۴) که اطلاعی کلی است که به درد تحلیل شاید بخورد، اما از هیچ رویداد تاریخی، اطلاع دقیقی به خواننده نمی‌دهد.

اشاره به سیاست‌های رضاشاه و محدودیت‌هایی که درباره حوزه‌ها و علما اعمال می‌کرد (صفحه ۱۵)، بی آن که به طور دقیق، ارتباط آن با فعالیت‌های امام یا فعالیت مشخصی از جمله فعالیت‌های ایشان بیان و تحلیل شود، نمونه دیگری است از نقل اطلاعاتی که نه به طور مستقیم کاربرد خاصی دارد و نه در تحلیل و ریشه‌یابی حوادث، از آن استفاده می‌شود.

از این قبیل مطالب کلی یا اشاره گذرا و ناقص به رویدادهای مهم، در جلد‌های دیگر هم دیده می‌شود. مثلاً «همبستگی و مهربانی در بین مردم کاملاً احساس می‌شد» (صفحه ۸، جلد چهارم) که صرفاً یک قضاوت کلی و احساسی است، بی آن که نمونه‌هایی از همبستگی و مهربانی مردم یا یکدیگر، در اولین سال بعد از پیروزی انقلاب، ذکر شود. در همین جلد و همین صفحه می‌خوانیم: «در چنین شرایطی، دشمنان انقلاب در کردستان قصد

پیروزی انقلاب را مرور می‌کنید. در این سال‌ها، تلاش کرده‌ایم که غیر از بیان وقایع سیاسی و دستاوردهای انقلاب که در لابه‌لای آن از روایت‌ها، خاطره‌ها، داستان‌ها و شعرهای مناسب نیز استفاده شده است، به تمام موضوعات مربوط به شما و یا مورد علاقه شما (از قبیل موفقیت‌های علمی و هنری...) نیز بپردازیم.»

با این وصف، از همان مقدمه، با تناقضی روبه‌رو می‌شویم که می‌تواند از روشن نبودن هدف، برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حکایت کند. اصولاً نوعی سردرگمی در کتاب‌ها به چشم می‌خورد. گاه - احتمالاً - به سبب کوتاه کردن مطالب، از ذکر بعضی جزئیات و آوردن برخی اطلاعات خودداری می‌شود (مثل تولد حضرت امام که فقط به ذکر روز، محله و شهر، نام خود و پدر و مادرش بسنده شده است. صفحه ۹، ج اول) و چند سطر پایین‌تر یا چند صفحه آن طرف‌تر، اطلاعاتی را می‌بینیم که ارتباط مستقیمی با موضوع ندارد و برای تحلیل وقایع و یا موشکافی و بررسی جامع رویدادها مناسب است یا قضاوت‌های تحلیلی را می‌خوانیم، بی آن که از شواهد و قرائن آن خبری باشد. (مثل اشاره به قدرتمندی خان‌ها و شاهزاده‌ها و تفنگ و اسلحه و قشون داشتن و زور گفتن آنها. صفحه ۹، ج اول)

از همان چند صفحه اول جلد اول مجموعه،

○ نویسنده می آورد که کارتر، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شکست خورد و به جای او رونالد ریگان، به کاخ سفید رفت و عملاً ادامه رسیدگی به کارگروگانها به او سپرده شد. در حالی که میان اعلام نتایج انتخابات تا رفتن رییس جمهور جدید به کاخ سفید و آغاز دوره ریاست جمهوری او فاصله است و ماجرای گروگانها در همان دوره ریاست جمهوری کارتر به پایان رسید.

کشور، آنچه در تبعید بر امام میگذرد و کارها و تصمیمهای رژیم پهلوی در سالهای ۵ - ۱۳۴۴ تا ۲۳ دی ۱۳۵۷ اختصاص دارد. هرچند که روی جلد آن نوشته شده است: کتاب ۵۷/۲ - ۵۶.

جلد سوم «پرواز / ۴۷۲۱ / پاریس - تهران» نام دارد و حوادث و اتفاقات انقلاب و کشور را در داخل و خارج از کشور، از ۲۶ دی ۱۳۵۷ تا پایان سال ۵۷ نقل می کند و از جلد چهارم تا ششم، به ترتیب، بیانامهای «آری»، «فهمیده / رزمندة کوچک» و «آسمان پرستاره» شامل نقل وقایع سالهای ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ می شود.

در نامگذاری کتابها، ظاهراً به مهمترین شخص (مثل کتاب اول)، مکانی که اهمیت خاصی یافته است (کتاب دوم) و مهمترین رویداد سال (مثل پرواز پاریس - تهران و فرارندم جمهوری اسلامی / آری) توجه شده؛ اما از همان نام و طرح جلد کتابها، موضع گیری جانبدارانه نسبت به انقلاب و به ویژه امام(ره) احساس می شود. در طرح جلد چهار جلد از این شش کتاب، تصویر حضرت امام، محور اصلی طرح است و در جلد دیگر نیز به تصویر شهید فهمیده و شهیدان باهنر، بهشتی و رجایی اختصاص دارد و ناگفته پیداست که این مسئله، کار را به یک کار تبلیغی، البته در راستای باور و اعتقادات اکثریت، نزدیک می کند. اختصاص یک جلد به زندگی امام(ره) آن هم به

داشتند این منطقه را از کشور جدا کنند و انقلاب با مشکل تجزیه طلبی نیز روبه رو بود» که به مسایل و مشکلاتی با این اهمیت، در دو سطر اشاره ای ناقص می شود و رویدادهایی بزرگ و دامنه دار، چنین کوچک نشان داده می شود و نه تنها اطلاعاتی دقیق و کامل و کافی درباره آنها ارایه نمی شود - که این تلاش های تجزیه طلبانه، نه به کردستان محدود می شد و نه به سال ۱۳۵۸ - بلکه کتاب هیچ تحلیلی درباره چنین وقایعی و حوادث جنبی و پیامدهای آن به خواننده نمی دهد.

در این جا به برخی اشکالاتی که در شش جلد اول این مجموعه به چشم می خورد، اشاره می شود، بی آن که قصد نادیده گرفتن تلاش و زحمت دست اندرکاران و تهیه کنندگان کتاب در میان باشد؛ بلکه بررسی این مجموعه و بیان اشکال هایی که به نظر می رسد، به منظور کمک به رفع اشکالها، البته در صورتی که به نظر سیاست گزاران و ناشران نیز این اشکالها وارد باشد و عرضه مجموعه ای کامل تر و کم نقص تر، صورت می پذیرد.

روشنمنند نبودن کار تدوین مجموعه کتاب اول مجموعه، با عنوان «روح الله از تولد تا تبعید» به زندگی امام خمینی(ره) از تاریخ تولد تا ۱۳۴۸ می پردازد. کتاب دوم با نام «دهکده کوچک / نوفل لوشاتو» به وضعیت و رویدادهای داخل



نبودن تدوین مجموعه تاریخ انقلاب به شمار می‌رود؛ به شکلی که جلد سوم به بعد، واقعه‌نگاری رویدادهایی است که در هر سال در کشور اتفاق افتاده است و بعضاً ارتباط چندانی یا گاه هیچ ارتباطی به انقلاب اسلامی ندارد.

اشکالات محتوایی

در این مجموعه، اشکال‌هایی در متن به چشم می‌خورد که در چند دسته، به آنها اشاره می‌شود:

۱- بسنده کردن به کلیات: در کتاب تاریخ، همچنان که نقل جزئیات غیر لازم درست نیست، حذف جزئیات و عدم آرایه اطلاعات لازم نیز به کار لطمه می‌زند؛ مخصوصاً که کتاب بیش و پیش از آن که به تحلیل علمی وقایع تاریخی و ریشه‌یابی آنها بپردازد، به گزارش وقایع اختصاص دارد.

تولد امام، شهادت پدر امام، تحصیل امام - به ویژه تا ۱۹ سالگی، یک سالی که در اراک درس خوانده، دوران تحصیل در قم - ازدواج امام، فرزندان امام که حتی نام آنها به جز مصطفی و بعدها به مناسبتی دیگر احمد نیامده است، تدریس امام، فعالیت‌های امام در حوزه علمیه قم و ارتباط ایشان با مرحوم آیت‌الله بروجردی و کشتار مدرسه فیضیه معدود مواردی است که از جلد اول این مجموعه می‌توان برشمرد که به آنها خیلی کلی پرداخته شده و اطلاعات و شناخت دقیق و درست و مفیدی به خواننده نوجوان نمی‌دهد. مثلاً شناختن خاندان امام و محیط خانوادگی که در

طور ناقص، خلاصه کردن وقایع سال‌ها ۵-۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ در یک جلد و انتخاب رویدادهای مهم هر سال، همه نشان از روشمند نبودن کار دارد. به آسانی می‌توان در مهم‌تر بودن حوادثی که در هر کتاب بیان شده، تردید کرد و حوادث و رویدادهایی مهم‌تر یا در همان حد از اهمیت را نام برد که در کتاب نادیده گرفته شده‌اند. مثلاً در جلد اول، می‌توان به نمونه‌هایی از این قبیل اشاره کرد: اولین بیانیه امام در دهه ۲۰، ارتباط امام با دانشجویان، مبارزان سیاسی مقیم خارج و تشکل‌های دانشجویی در اروپا و آمریکا و ارتباط امام با علمای نجف و قم، در جلد دوم، تأسیس تشکل‌های سیاسی مبارز مثل نهضت آزادی، جمعیت هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، مجاهدین خلق و... و فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی - سیاسی و مسلحانه - گروه‌ها و شخصیت‌های مبارز، تأسیس حزب جمهوری اسلامی و برخی تشکل‌های سیاسی دیگر و تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کتاب سوم، ناآرامی‌ها و تلاش‌های تجزیه‌طلبانه در مناطق مختلف مثل کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و... در جلد چهارم مجموعه.

پرداختن به حوادث و اتفاقات مهم در بخشی از کتاب و پرداختن به افراد، البته فقط شخصیت‌های مثبت، گاه صرفاً به سبب درگذشت آنها و گزارش نتایج شرکت تیم‌های ورزشی کشور در مسابقات مهم بین‌المللی و فیلم‌هایی که در این سال‌ها برای بچه‌ها ساخته شده، نمونه دیگری از روشمند

○ نقل حکایات و قصه‌ها و شعرها به طور جداگانه، نه تنها لطمه‌ای به کار نمی‌زند، بلکه می‌تواند با جذاب‌تر کردن کتاب، نوجوانان را به مطالعه آن علاقه‌مندتر کند؛ اما در همه جای کتاب جدا کردن قصه‌ها از متن روایت وقایع تاریخی رعایت نشده است.

دستگیری امام در ۱۵ خرداد (۱۳۴۲) با نثری روایی نقل می‌شود، با همه تأکیدی که بر کوتاه شدن متن مشهود است، جمله‌هایی زاید به چشم می‌خورد. مثلاً «آسمان صاف است»، «ماه می‌رخشد» (صفحه ۲۳، جلد اول) که هیچ اطلاعات خاصی به خواننده نمی‌دهد و فقط متن را کمی از حالت واقعی دور و مخصوصاً با توجه به نثر روایی آن، به حکایت نزدیک می‌کند.

در نقل سخنرانی امام، در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ (صفحه ۳۰، جلد اول) نیز آمیختن گزارش یک واقعه تاریخی با تخیل داستانی به چشم می‌خورد: «روزهاست که مردم منتظر این ساعت هستند... در نگاه مردم می‌توان نگرانی را دید. قلب‌ها به شدت می‌تپند. همه می‌دانند که در چنین لحظه‌هایی، هیچ اتفاقی غیر منتظره نیست. شاید در یک لحظه، مردم را به رکاب مسلسل ببندند. شاید...»

به نمونه‌هایی نیز می‌توان اشاره کرد که اطلاعات تاریخی، در قالب یک خاطره بازنویسی شده، نقل می‌شود. خاطره «تنها تکیه به خدا» (صفحه‌های ۴۰ و ۴۱، جلد اول) نمونه‌ای است که اتفاقاً اطلاعات تاریخی نیز در آن به طور ناقص، مبهم و کلی ارائه شده است. «جمعه خونین» (صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰، جلد دوم) هم نمونه‌ای دیگر است که بخش عمده ماجرای کشتار روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در قالب یک قصه نقل می‌شود و فقط بخشی از اطلاعات، همراه با تفسیر و اظهار نظر و داوری (مثل «کشتار ۱۷ شهریور چهره

آن پرورش یافته‌اند، شناختن استادان امام و تأثیری که بر افکار و شخصیت ایشان ممکن است بر جای گذاشته باشند، ماجرای ازدواج امام که اتفاقاً جذاب و خواندنی است و وضعیت خانوادگی همسر بنیانگذار جمهوری اسلامی و... همه از مواردی است که هرچند ممکن است کتاب را طولانی‌تر کند، ولی به خواننده یاری می‌دهد تا شناخت کامل‌تر و دقیق‌تری از رهبر کبیر انقلاب، شکل‌گیری افکار و شخصیت و وضعیت زندگی ایشان پیدا کند و انقلاب اسلامی را بهتر بشناسد.

۲- آمیختن تاریخ با قصه: در این مجموعه، به دلیل این که مخاطب کودک و نوجوان است، متناسب با رویدادهای تاریخی و لابه‌لای متن، البته به طور مجزا، از شعر و قصه استفاده شده تا متن را جذاب کند و از خشکی نقل رویدادها و اتفاقات تاریخی بکاهد. اگرچه شاید جاداشت که به جذابیت خود متن اهمیت بیشتری داده می‌شد، نقل حکایات و قصه‌ها و شعرها به طور جداگانه، نه تنها لطمه‌ای به کار نمی‌زند، بلکه می‌تواند با جذاب‌تر کردن کتاب، نوجوانان را به مطالعه آن علاقه‌مندتر کند؛ اما در همه جای کتاب جدا کردن قصه‌ها از متن روایت وقایع تاریخی رعایت نشده است. مثلاً در نقل اطلاعات مربوط به کودکی امام و تحصیل ایشان در مکتب‌خانه، قصه ناهار دادن امام به بچه‌ها در مکتب‌خانه، با اطلاعات تاریخی تداخل پیدا کرده است. (صفحه ۱۱، جلد اول)

گاهی نیز وقتی یک واقعه تاریخی (مثل

○ در طرح جلد چهارم جلد از این شش کتاب، تصویر حضرت امام، محور اصلی طرح است و در جلد دیگر نیز به تصویر شهید فهمیده و شهیدان باهنر، بهشتی و رجایی اختصاص دارد و ناگفته پیداست که این مسئله، کار را به یک کار تبلیغی، البته در راستای باور و اعتقادات اکثریت، نزدیک می‌کند.

○ از همان مقدمه، با تناقضی روبه‌رو می‌شویم که می‌تواند از روشن نبودن هدف، برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حکایت کند.

استاد بزرگ خود آیت‌الله حائری فرا گرفت. بعد از وفات آیت‌الله حائری، آیت‌الله بروجردی به قم آمد و آقا روح الله در کلاس درس او حاضر شد. این کامل‌ترین اطلاعاتی است که در این کتاب دربارهٔ تحصیل امام عرضه می‌شود (صفحه ۱۲، جلد اول): در حالی که امام در درس بزرگان دیگری مانند آیت‌الله شاه‌آبادی، شیخ محمد بهاری و... شرکت کرده بود و در حالی که در درس مرحوم بروجردی حضور پیدا می‌کرد که خود مجتهد و مدرس صاحب نامی بود که حدود ۴۵ سال داشت.

در صفحه ۱۴ جلد اول مجموعه، پس از ذکر مطلبی کلی دربارهٔ ساده‌زیستی امام از همان جوانی، اشاره می‌شود که «ایشان از شاگردان آیت‌الله بروجردی بود که در آن زمان، رهبری شیعیان را بر عهده داشت» و معلوم نیست «آن زمان» یعنی کی؟ یک صفحه بعد آمده است که آیت‌الله خمینی، در دو جبهه مبارزه می‌کرد و لازم بود سیاست‌های غلط رضاشاه و حکومت را آشکار و رسوا کند؛ اما هیچ توضیحی داده نمی‌شود که امام در این مبارزه، به چه فعالیت‌هایی دست زده است. در صفحهٔ بعد هم آمده است: «آیت‌الله خمینی با شجاعت مقابل زورگویی‌های رضاشاه ایستاد و به افشاگری پرداخت. در نتیجه، به دستور رضاشاه، کلاس درس او تعطیل شد.» و باز مشخص نیست که این افشاگری در چه سالی، در چه زمینه‌ای و به چه صورتی به انجام رسیده و کلاس درسی که تعطیل شده، کدام درس امام بوده و در چه زمانی و چه مدت تعطیل شده است؟

یک صفحه بعد (صفحه ۱۷) نویسنده آورده است: «ایشان چه در زمان آیت‌الله حائری و چه

واقعی «شریف امامی» را به مردم نشان داد.» یا «حکومت شاه با این عمل بی اعتبار شد و حیثیت خود را برای همیشه از دست داد.» در صفحه بعد از داستان، گنجانده شده است.

در جلد چهارم، گزارش راهپیمایی اربعین حسینی(ع) از نمونه‌هایی است که نثر آن دقت اطلاعات را کم کرده است: «جمعیت تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها را پر کرد... مهمه حرکت گروه‌ها در شهر پیچید: در سر هر کوچه‌ای، در پشت در هر خانه‌ای، در عرض هر خیابانی... دریایی از میلیون‌ها انسان به خروش آمده بود... هوایی که قصد باریدن داشت، تنها به بوی باران بسنده کرد...» ماجرای قطع رابطه آمریکا با ایران نیز در قالب یک خاطره بیان می‌شود. (صفحه‌های ۱۲ و ۱۳، جلد پنجم)

۳- کم دقتی و نقص اطلاعات: در مواردی، اطلاعات تاریخی با کم دقتی نقل می‌شود و گاه نیز اطلاعات ناقص است و این به یک کتاب تاریخ، حتی اگر فقط واقعه‌نگاری باشد، لطمه می‌زند. در صفحه ۱۲، جلد اول می‌خوانیم: «این دوران، هم‌زمان با کودتای رضاخان در تهران و تشکیل حکومت شاهنشاهی پهلوی بود.» کمی بالاتر اشاره شده که آیت‌الله حائری، در نوروز ۱۳۰۰ هجری شمسی به قم رفت و امام هم به دنبال استاد خود، راهی آن شهر شد و ظاهراً منظور از «این دوران» سال ۱۳۰۰ است، در حالی که کودتای رضاخان سوم اسفند ۱۲۹۹ روی داد و شاهنشاهی پهلوی آذر ۱۳۰۴ تأسیس شد و به نظر نمی‌رسد که در چنین مواردی، پنج سال آن قدر کم باشد که این دو واقعه تاریخی را هم‌زمان بدانیم.

«آقا روح‌الله بیشتر دروس مقدماتی را نزد



○ در مواردی، اطلاعات تاریخی باکم دقتی نقل می‌شود و گاه نیز اطلاعات ناقص است و این به یک کتاب تاریخ، حتی اگر فقط واقعه‌نگاری باشد، لطمه می‌زند.

زمان آیت‌الله بروجردی، همواره پرچمدار مبارزات حوزه علمی قم بود. گذشته از این که فاصله چند ساله میان ارتحال آیت‌الله حائری و آمدن آیت‌الله بروجردی به قم و زعامت مراجع سه گانه در حوزه علمی نادیده گرفته شده، هیچ اشاره‌ای نمی‌شود که این پرچمداری مبارزات چگونه بوده است؟ چون ظاهراً حضرت امام در دوره زعامت آیت‌الله بروجردی، به مبارزه علنی نمی‌پرداخت.

نقل تصور دولت (جلد اول، صفحه ۳۰) و فکر حکومت (جلد دوم، صفحه ۸) بدون ذکر مدرک یا شواهد و قرائن، نمونه‌های دیگری از این کم دقتی‌هاست. مثلاً در صفحه ۳۰ جلد اول، می‌خوانیم که دولت لایحه کاپیتولاسیون را به تصویب رساند «و می‌خواست روز چهارم آبان ۱۳۴۳ که روز تولد شاه بود، خبر آن را با تبلیغات فراوان رسماً اعلام کند.» معلوم نیست تصمیمی که گویا جامعه عمل نبوشیده است، از چه منبعی نقل می‌شود.

همان شب آیت‌الله خمینی را دستگیر کردند و... این را (صفحه ۳۴، جلد اول) در حالی می‌خوانیم که قبل از آن به طور مستقیم، از هیچ شبی نذری به میان نیامده است تا بدانیم همان شب، کدام شب است؟ در همان جلد اول می‌خوانیم: «روابط عراق و ایران، به تدریج خوب شده بود و همکاری اطلاعاتی دو کشور بسیار قوی بود.» (صفحه ۴۳) ولی هیچ اشاره‌ای به تاریخ آن نمی‌شود.

جلد دوم با عنوان «ژاندارم منطقه» آغاز می‌شود و در عبارت دوم آن، به نیاز شاه به آمریکا، برای حفظ تاج و تخت اشاره می‌شود و پس از آن چنین می‌آید: «در این سال‌ها، شاه راه را برای نفوذ

آمریکا باز کرد و... که قبل از آن درباره سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ صحبت شده که «اوج قدرت‌نمایی شاه بود.» کاری نداریم که این اوج قدرت‌نمایی، چگونه است که شاه چنان برای حفظ تاج و تخت خود به حمایت آمریکا احتیاج داشت که تقریباً هر کاری که آمریکا پس از او می‌خواست انجام می‌داد؛ اما در حالی که آمریکا پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران نفوذ کرده و در سال ۱۳۴۳ تصویب لایحه کاپیتولاسیون را هم به حکومت ایران تحمیل کرده بود، چگونه تازه «شاه راه را برای نفوذ آمریکا باز کرد» یا نفوذ تازه‌ای و به شکل خاصی مدنظر است که هیچ اشاره‌ای بدان نمی‌شود و خواننده نوجوان خودش باید حدس بزند؟

در صفحه ۴۵ جلد پنجم، درباره الزام زنان به رعایت حجاب، زیر تیتر اول تیرماه، یک اطلاعاتیه آمده است: «شورای انقلاب که آن روز اداره امور کشور را در دست داشت، این رفتار را مناسب...» در این جا نه مشخص شده که آن روز یعنی کی، چون اگر بخواهیم آن را به تیتر برگردانیم، این معنا را دارد که سه هفته بعد از تشکیل مجلس شورا که قاعده‌تاً شورای انقلاب دیگر باید تعطیل شده باشد (یعنی در حالی که هم دولت، هم قوه اجراییه و هم مجلس شورای اسلامی داشتیم) هنوز شورای انقلاب کشور را اداره می‌کرده است.

همچنین، در صفحه ۹۸ همین جلد، نویسنده می‌آورد که کارتر، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شکست خورد و به جای او رونالد ریگان، به کاخ سفید رفت و عملاً ادامه رسیدگی به کار گروگان‌ها به او سپرده شد. در حالی که میان اعلام نتایج انتخابات تا رفتن رییس جمهور جدید به کاخ

○ در صفحه ۲۴ جلد چهارم، در شرح زندگی مرحوم استاد مطهری، فقط از علامه طباطبایی به عنوان استاد وی نام برده می‌شود، در حالی که استاد مطهری، قبل از آن در درس اخلاق، فلسفه و فقه و اصول فقه حضرت امام و در درس مرحوم حجت، مرحوم داماد، مرحوم بروجردی و مرحوم علی آقا شیرازی شرکت می‌کرد. همچنین، در همین صفحه آمده است: «سپس به تحصیلات دانشگاهی مشغول شد» که درست نیست و مرحوم شهید مطهری، در دانشگاه فقط به تدریس پرداخته و هیچ وقت در دانشگاه تحصیل نکرده است.

۳ میلیون نفر از واجدین شرایط کاسته شده و در فاصله انتخابات دوم و سوم (حدود ۵۰ روز)، تعداد واجدین شرایط هیچ تغییری نمی‌کند.

نمونه دیگری از اطلاعات نادرست و متناقض در همین جلد، تاریخ برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی است. در جلد چهارم، صفحه ۸ می‌خوانیم: «دوازدهم فروردین، روز رأی‌گیری بود»، در صفحه ۱۴: «جمعه دهم فروردین ماه، روز برگزاری انتخابات بود.» و در صفحه ۱۶: «سرانجام دوازدهم فروردین ماه سال ۱۳۵۸ فرا رسید. میلیون‌ها نفر در انتخابات شرکت کردند.»

در صفحه ۲۴ جلد چهارم، در شرح زندگی مرحوم استاد مطهری، فقط از علامه طباطبایی به عنوان استاد وی نام برده می‌شود. در حالی که استاد مطهری، قبل از آن در درس اخلاق، فلسفه و فقه و اصول فقه حضرت امام و در درس مرحوم حجت، مرحوم داماد، مرحوم بروجردی و مرحوم علی آقا شیرازی شرکت می‌کرد. همچنین، در همین صفحه آمده است: «سپس به تحصیلات دانشگاهی مشغول شد» که درست نیست و مرحوم شهید مطهری، در دانشگاه فقط به تدریس پرداخته و هیچ وقت در دانشگاه تحصیل نکرده است.

ترور منصور در این کتاب، به گروه فداییان اسلام نسبت داده شده است (صفحه ۱۳، جلد دوم)، در حالی که چند تن از اعضای هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، حسنعلی منصور را به قتل رساندند.

سفید و آغاز دوره ریاست جمهوری او فاصله است و ماجرای گروگان‌ها در همان دوره ریاست جمهوری کارتر به پایان رسید.

از دیگر نمونه‌های نقص اطلاعات، این موارد را نیز می‌توان برشمرد: عدم ذکر تاریخ برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی (صفحه ۳۶، جلد چهارم)، توضیح ناقص درباره زندگی مرحوم آیت‌الله طالقانی (ص ۴۵، جلد چهارم): طوری که انگار وی در فاصله سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۷ فقط هر ۱۰-۱۲ سال یکبار به زندان می‌افتاد و اشاره نکردن به این که چرا در انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی، به جای ۲۷۰ نماینده، ۲۶۳ نماینده برگزیده شده‌اند.

۴- ارایه اطلاعات نادرست یا متناقض:
۱- «وزیر کشور گفت که ۲۴ میلیون نفر می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.» (صفحه ۱۴، کتاب چهارم)
۲- «تعداد افرادی که می‌توانستند در انتخابات شرکت کنند، ۳۹۱ و ۸۵۷ و ۲۰ نفر بود.» (صفحه ۶۵، کتاب چهارم)

۳- «تعداد کسانی که می‌توانستند در این انتخابات شرکت کنند، ۳۹۱ و ۸۵۷ و ۲۰ نفر بود.» (ص ۶۸، کتاب چهارم)

انتخابات اول، در فروردین ۱۳۵۸، انتخابات دوم، در ۱۳۵۸/۱۱/۵ و انتخابات سوم در ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ برگزار شده است و بسی هیچ توضیحی از انتخابات اول به انتخابات دوم، حدود

○ «آیت‌الله طالقانی، به داخل هواپیما می‌رود و ورود امام به خاک وطن را خوش آمد می‌گوید.» این مطلب را در صفحه ۲۴، جلد سوم می‌خوانیم، اما ظاهراً آیت‌الله مطهری، به داخل هواپیما رفته بود که در عکس‌های موجود هم، در بالای پله‌های هواپیما، پشت سر حضرت امام دیده می‌شود.

به روحانیونی که در مسجد دانشگاه متحصن شده بودند، پیوستند. در حالی که در صفحه ۲۱ همین جلد، شروع تحصن از صبح هشتم بهمن ذکر شده است.

بعضی اشکال‌های دیگر عبارتند از: استفاده از کلمات مبهم و ناشناخته و یا عدم ارایه توضیح درباره‌ی اسامی خاصی که برای بچه‌ها آشنا نیست مثل فیضیه، اصطلاحاتی مثل رشته علوم قدیمه (صفحه ۲۴، جلد چهارم) تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته علوم مذهبی (صفحه ۴۵، جلد چهارم) که اصطلاحات شناخته شده‌ای برای مخاطب کودک و نوجوان نیست.

بعضی اشتباه‌های ناشی از حروفچینی یا ویرایش مثل «تار» به جای تاریخ (صفحه ۳۳، جلد اول)، «همه پسی» به جای همه‌پرسی (صفحه ۱۷، جلد چهارم)، «پزشک قانونی» به جای پزشکی قانونی (صفحه ۳۹، جلد ششم) و یا ضبط نام ژنرال هایزر به دو صورت «هایزر» (صفحه ۶۵، جلد دوم) و «هويزر» (صفحه ۴۲، جلد سوم) هم به چشم می‌خورد. ضمن این‌که می‌توان به اصطلاح‌هایی مثل دریافت حکم تنفیذ (صفحه ۱۸، جلد ششم) به جای دریافت حکم یا تنفیذ حکم و آتش باز شدن (صفحه ۴۸، جلد پنجم) به جای آتش کردن یا آتش گشودن نیز اشاره کرد. همچنین، در پایان جلد ششم و در بخش سال ۶۰ در یک نگاه، رویدادهای سال تا ۲۰ آذر، درج شده است.

در خاتمه، تلاش بانیان این حرکت را ارج می‌نهمیم و امیدواریم با جمع‌بندی دیدگاه‌های گوناگون و با تکیه بر ملاک‌های روشمند، ویرایشی جدید از این اثر به دست دهند.

تاریخ درگذشت جهان پهلوان تختی ۱۸ دی ذکر شده است (صفحه ۲۲، جلد دوم) که ظاهراً تاریخ درست درگذشت وی ۱۷ دی است.

«شاپور بختیار... با شرط خروج موقتی شاه از کشور و... پیشنهاد نخست وزیری را پذیرفت.» (صفحه ۶۴، جلد دوم) «شاه می‌خواست... از طرف دیگر، تا آب‌ها از آسیاب بیفتد، به خارج برود و استراحت کند.» (صفحه ۶۴، جلد دوم) همان طور که خواندید در یک صفحه و به فاصله چند سطر، یکبار خروج شاه شرط پذیرش نخست وزیری از سوی بختیار است و بار دیگر، شاه برای استراحت کردن به خارج می‌رود.

«آیت‌الله طالقانی، به داخل هواپیما می‌رود و ورود امام به خاک وطن را خوش آمد می‌گوید.» این مطلب را در صفحه ۲۴، جلد سوم می‌خوانیم، اما ظاهراً آیت‌الله مطهری، به داخل هواپیما رفته بود که در عکس‌های موجود هم، در بالای پله‌های هواپیما، پشت سر حضرت امام دیده می‌شود.

۵- اشکالات دیگر: در این مجموعه، همچنین اشکال‌هایی مثل تکراری بودن بعضی مطالب (مثلاً توضیح درباره‌ی شورای انقلاب که در صفحه ۶۷ جلد دوم، صفحه‌های ۲۲ و ۳۶ (پاورقی) جلد چهارم و صفحه ۴۵ جلد پنجم تکرار شده است)، عدم ذکر منبع که بیشتر در مورد بعضی از سخنان امام در جلد اول تکرار شده است مثل صفحه‌های ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۳۲، ۳۵ و ۴۵ و درج‌های مناسب قرار نگرفتن مطالب نیز به چشم می‌خورد. در مورد اشکال اخیر می‌توان به صفحه ۱۹ جلد سوم کتاب اشاره کرد که زیر تاریخ ۵ بهمن ۱۳۵۷، آمده است که راهپیمایان



آسمان بیستاره